

روایت تصویری اختصاصی «فرهیختگان» از شادی ملی مردم لبنان بعد از عقب نشینی صهیونیست ها

ما برمی گردیم

عکس ها اختصاصی روزنامه «فرهیختگان»



رقت
جانیه قاسمان
میرنگر چهره جهان شهر

مادر به خانه اسباب و اثاث زیاد اضافه نمی کرد، غیر از وسایل ضروری چیزی برای خانه نمی خرید. می گفت قرائت دوازدهم صهیونیست حمله کند و ما را می دانی می پویم شمال، «ابن هاروژ» ۲۳ ساله اهل قزوه در مرصه ای که به او لژیان جنوب اختصاص داده شده بود در قلب بیروت برای تعریف می کرد، می گفت، «ابن تصاویری که از کودکی در خاطر دارم تصویر لژیان از جنوب است، بعد از آن من برادریم یاد گرفتم تا وقتی اشغالگر بیع گرشان است، با یک چمدان سیگار آماده رفتن باشم.

این ولایت اغلب اهالی جنوب از زندگی در همسایگی شر معلق است، جایی که زندگی روزی و خود مبارزه است و تلاش برای عادی زندگی کردن، مدرسه رفتن، کانی راه انداختن عاشق شدن و عروسی گرفتن هیچی غیر مقاومت است، زندگی بیع گوش اشغالگر زبیر سیده ها چگونه پیش رفت و نیروهای حافظ صلح سازمان ملل به حواصیل حافظ متابع رژیم صهیونیستی در مرز لبنان، مردم جنوب را به سبکباری و آمدگی همیشگی برای رفتن شده داده است، ساکنان جنوب پیش از ۲۰ سال است که آمده اند که به جنگند، بودند، مقاومت کنند، گردن زانو همه چیز را ساندند، مردم جنوب با در فتنه چگونه پیش می روند، بی پول، زان کلاه خیارهای شهرهایمان هستند، از خدمتدان فرجه پوزنه و ایمان داشته باشند همین باقی ماند، تقصیر های اشغالگر علیه یک ملت هم روزی که خیلی

دیر تر است قرائت است، بودند آن ها قرار است، بودند چرا که به قول خودشان مردم لبنان اصحاب لارض هستند یعنی صاحب زمین و زمین به صاحبانش باز خواهد گشت، بسیاری از مردم جنوب که طی جنگ در دیگر مناطق لبنان آوار شده بودند، رفتن خود را در راستای کمک به مقاومت تقصیر می کنند، در مرکز تجمع آواره های حرف مردم جنوب که می نشست، بسیاری می گفتند برای آن یک دست مقاومت برای عملیات باز باشد، ترک خانه کردند.

ناهد که همه ساکنان بیوت مدرسه رفیق حزبی در الحما که ۷۰ نفر از لژیان جنوب را در خود جا داده بود، او را مسئول کل مدرسه می دانستند، ما آخرین خانواده ای بودیم که وسایلمان را ترک کردیم، آن هم به خواست و اجبار جماعتیان، اگر بگویند بمان می مابیم، اگر بگویند برو، خدا گواهد است که بر می گردیم، ما رفیق که دست مقاومت برای عملیات باز باشد، اگر بماند بمان به نفع مقاومت باشد، بر می گردیم.

۲. آنکرفت و آنکه ماند

هیبه مولود و یزید که در کالج البرا حده است، خودش اما از برای کارت پناهندگی اش که اسم او لژیان جنوبی خک شده نمی رود، اولین بار که از اشغالگر پرسید، می گفت: «خداوند ما هال ها کما هستند، مادام ما می مانیم، و برای همین من به لجه مردم راه حرف می دهم، به نه پند و مادرش هیچ کده نه عکا از یاد داند، نه راه الله از این البته امر جدی نیست، عده فلسطینی های ساکن لبنان بعد از جنگ خود خوار با همان اصرار معرفی می کنند که اجدادشان سر پیشان را ترک کردند، فلسطینی های که اصرار می فرمودند که بسیاری سازمان ملل در خصوص پناهندگان فلسطینی تعهد نشان را پیش از سه هزار نفر در لبنان می داد، البته این غیر از آمارهای غیر رسمی است که حدود یک میلیون نفر را تخمین می زند، دومین روز اقامت در بیروت عراق همه و خانواده اش را می گیریم، خانه خاکی در اردوگاه حرج البرا حده، در مرکز ترش در ضاحیه است، خیال می کنم او هال مثل بسیاری از خانواده های ضاحیه محله هایشان به خلیه کرده اند، همه می گویند هنوز در همان مسیما گوشه اردوگاه زندگی می کنند، می طرلس می کنند، حتی خیال نمی کردم نشود؛ می گویند، تو هیچ وقت حال کسی را که از سر پیشان اشغالگر شده نمی فهمی، ما مردم همه می گویند، ما اگر از این خانه بیرویم چه تصمیمی می برد، خود خوار شدت که دوباره و دوباره آوار شدیم، ما می خواهیم بمانیم، چون دیگری زاندر می بینم و می خواهیم جانی دیگری داشته باشیم، دشمنی خواهد بود این اردوگاه ها و پناهندگی های فلسطینی اشغالگر کند، ما بهانه دست اشغالگر نمی دهیم که وجودمان را منکر شود.

بلال، جوان فلسطینی اهل یکی از اردوگاه های جنوب، با یک گروه کوچک از قزاقش ۱۸۰ خانواده فلسطینی مسوی و لبنانی از جنوب را در چند مسجده اطراف حیدبا جا داده و آن ها را دست پوشش قرار داده است، از اردوگاه او با جوار اردوگاه فلسطینی در جنوب می پرسید، ما جایی که مستقیم است همه های ضاحیه، روزانه لژیان فلسطینی بلال و دیگر ساکنان عینی ادا می کردند و اردوگاه ها هنوز کامل غلظت جنگ، دیدنش می گفت: «هنوز خانواده های در حضور و تعطیل اند که ترک خانه نکرده اند، چون جایی برای رفتن نداریم.

روایت خاصی از این قبیل درباره خانواده های که نقاط ریزش ترک کرده اند، بسیار وجود دارد، نزدیک بیست بسیاری از آن ها از پایین ترین طبقات اقتصادی در لبنان زندگی می کنند که نه خارج از این کشور کوچک محل درآمد و ارتباطی دارند که با سپورت در جیب، بابت یک طرفه به یکجا بیرون رانند و پس از آن از یک راهی که پناهندگی بیرون از روستا و اردوگاه خودشان یاد می آورند، بسیاری از فعالان مدنی در لبنان بر این باور بودند که تعداد زیادی از همین خانواده های لژیان هم زاندر می ماندند، پس اعداد خاصی در لژیان اعلام دادند، می گفتند در میانه جنگ صحبت از این بود که اگر این جنگ طولانی شود، پس اعداد خاصی می کشند و عده زیادی به خانه هایشان در جنوب و قزاق بر خواهند گشت، حتی اگر محله هایشان ریزش است.

چنین جنگ جوان ساکن بیروت، اطمین می گوید: «آمارهای غیر رسمی وجود دارد که پس از انفجار بیروت ۲، درصد از جمعیت مسیحیان لبنان کم شده است، ادامه می دهد،



عکاس: اختصاصی حسن قلندی / امویختگان